



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره چهل و نهم - پاییز ۱۴۰۰ - از صفحه ۹۱ تا ۱۰۷
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>
۲۷۱۷-۴۳۱۸ شاپا چاپی
۲۷۱۷-۴۳۰۱ شاپا الکترونیکی



مقاله پژوهشی

بررسی تشبیه تمثیل و کارکردهای آن در مثنوی «کارنامه»

زندان» ملک الشعرای بهار

حسین فارسی^۱، رامین صادقی نژاد^{۲*}

چکیده

تشبیه تمثیل از گونه‌های خاص تشبیه است. در یک طبقه‌بندی ساده، می‌توان آن را به سه نوع گسترده، نیمه فشرده و فشرده (اسلوب معادله) تقسیم کرد. بهار در مثنوی کارنامه زندان از این عنصر بلاغی برای اقناع و استدلال مخاطب به اندازه زیادی استفاده کرده است. تعداد و تنوع به کارگیری این تشبیهات تمثیلی در مثنوی کارنامه زندان، می‌تواند برای این اثر بهار، یک ویژگی سبکی برجسته و شایسته بررسی به حساب آید. ضرورت و اهمیت این بررسی از آن روی است که می‌تواند نقش استدلالی و قدرت القایی بسیار بالای تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار را نشان دهد. سؤال اساسی این مقاله که درصدد پاسخ بدان برآمده‌ایم آن است که گونه‌ها و کارکردهای تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار چگونه است؟ در این نوشته که به روش کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیل محتوا فراهم آمده است با در نظر گرفتن ساختار بلاغی ابیاتی که تشبیه تمثیلی دارند، نوع جملات آنها از نظر خبری یا انشایی بودن، بررسی شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تشبیه تمثیل نیمه فشرده با ساختار خبری به قصد تاکید کلام یا همان استعاره تمثیلیه و ضرب المثل، فراوان‌ترین نمونه‌های تشبیه تمثیل در این مثنوی می‌باشد. غیر از این، موارد دیگری در ارتباط مستقیم تشبیه تمثیل با الگوری، اسلوب معادله، استعاره تمثیلیه و تصویر و استدلال هنری در این مثنوی وجود دارد که در متن مقاله به آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: استعاره تمثیلیه، اسلوب معادله، بهار، تشبیه تمثیل، کارنامه زندان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

hosinfarsi.108@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول)

r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir

مقدمه

شاعران برای بیان اندیشه‌های خود، از شیوه‌های متنوع و ابزارهای متفاوتی یاری می‌گیرند. آن‌ها با توسل به امکاناتی که زبان شعر در اختیار آنها قرار می‌دهد؛ عواطف، احساسات و مفاهیم درونی و اندوخته‌های ذهنی خود را که زبان عادی از بیان آنها ناتوان است به شیوه مؤثرتری بیان می‌کنند؛ چنانکه می‌توان گفت اغلب آنها، برای تنوع بخشیدن به مفاهیم و مضامین شعری خود با بهره‌گیری از عناصر بلاغی و آرایه‌های ادبی، ضمن ایفای نقش مؤثر در تفهیم مخاطبان، با آفرینش تصاویر ادبی و مضامین جدید، معلومات و اندیشه‌های خود را به شکل شایسته‌تر و پسندیده‌تری، عرضه می‌کنند. در این میان، بسیاری از اندیشه‌ها و تأملات فلسفی که در حوزه شعر داخل می‌شود؛ اندیشه‌هایی می‌باشند که از یک سوی با واقعیت هستی و با ذهن منطقی مخاطب سر و کار دارند و از سوی دیگر با احساسات و عواطف ادبی و شاعرانه در پیوند می‌باشند. ایجاد رابطه‌ای متعادل بین این دو (منطق و احساس)، برای اذهان نامأنوس و نا آشنا با اینگونه اصطلاحات، گاه بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ از این روی شعراء با دقت نظر زیاد و فراست بی‌نظیر خود برای ایضاح مشاهدات و تجربیات و افکار و اندیشه‌های خود و تثبیت آنها در ذهن مخاطب، از برخی ترفندهای ادبی چون تشبیه تمثیل، بهره می‌جویند تا تعلیم مسائل حکمی و اخلاقی را حلاوت بخشند و راه دشوار درک رمز آلود موضوعات و مسائل پیچیده زندگی را بر مخاطبان خود هموار کنند.

عصر مشروطه، فصلی بی‌بدیل در تجدد و بیداری ایرانیان و شاعران این دوره، طلایه‌داران آگاهی و هشیاری مردم در برابر استبداد حاکم بر جامعه است. در این میان، بهار نیز همانند اغلب شاعران این عصر طلایی با سلاح شعر به مبارزه با استبداد و خود کامگی پرداخته است. شاعران مشروطه «از شعر خود سلاحی ساختند تا این ملت را از سیل حوادث در امان نگه دارند و کوشیدند به حکومت‌های مستبد یاد آور شوند که در آن یک تن حکومت می‌کند و دیگران همه بنده‌اند» (وزین‌پور، ۱۳۷۴: ۵۳۲). در میان انبوه شاعران عصر مشروطه که مسائل سیاسی و اجتماعی را وارد شعر خود کردند و ادبیات را به سوی تعهد اجتماعی سوق دادند؛ ملک الشعرای بهار، شخصیتی کم‌نظیر است. بزرگانی چون جلال‌الدین همایی (ر.ک. همایی، ۱۳۳۰: ۷۰)، محمد پروین گنابادی (ر.ک. پروین گنابادی، ۱۳۳۴: ۱۶۶)، بدیع الزمان فروزان‌فر (ر.ک. حائری، ۱۳۷۵: ۱۹۸)، عبدالحسین زرین‌کوب (ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۴۵)، محمدرضا شفیعی کدکنی (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۷۹)، بهار را استاد مسلم قرن اخیر و شاخص ادبیات این دوره نامیده‌اند. بهار در مثنوی کارنامه زندان - که سروده‌های دوره سوم حبس از نوروز سال ۱۳۱۲ ه.ش و تبعید وی به اصفهان در امرداد همان سال تا برگشتن وی به تهران

در سال ۱۳۱۴ ه. ش را در برمی‌گیرد- دست به افشاگری و تبیین موضوعات سیاسی، اجتماعی و بویژه اختناق و شکنجه حاکم در محبس نمره یک زندان شهربانی تهران در دوران سرتیپ درگاهی زده است. وی برای تأکید سخنان خود و اقناع مخاطب از قدرت استدلالی تشبیه تمثیل و توابع آن چون: ضرب المثل، ارسال المثل و ... به اندازه بسیاری سود برده است. در این نوشته تا حد امکان به بررسی شیوه-های کاربُرد و کارکرد این شگرد ادبی در مثنوی کارنامه زندان پرداخته‌ایم.

تعریف مفاهیم کاربردی

نظریه‌های بلاغی، همواره تابع خلاقیت‌های شاعران و نویسندگان بوده است، بنابراین شعر هر شاعری را باید از نکته نظر فراهم آوردن مواد تحقیق برای بلاغت به صورت مجزا، مورد بررسی قرار داد. در کتاب‌های بلاغت، مثال‌ها و شواهد، پس از قرآن کریم از دیوان‌های شاعران نقل شده است و نظریه‌ها بر مبنای کوشش‌هایی بنا شده است که شاعران و نویسندگان پیشین درگریز از هنجارها کرده‌اند. بر این اساس، تحوّل نظریات مربوط به علوم بلاغی، مثلاً از تشبیه تمثیل، نشان دهنده آن است که گاه، تکلیف بلاغیون با این شگرد ادبی، بدرستی روشن نبوده است؛ مثلاً در ترجمان البلاغه، در بحث «ارسال المثلین فی البیت» آمده است: «معنی این فصل، چنان بود که شاعر، مصراع‌ی بگوید یا بیتی و اندر آن بیت یا مصراع، دو حکمت گوید که آن دو حکمت به راه مثل رود» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۸۵-۸۴). این تعریف از ارسال المثلین فی البیت با آنچه امروز در تعریف تشبیه تمثیل و اسلوب معادله می‌بینیم؛ شباهت بسیار دارد.

صاحب المعجم فی معاییر اشعار العجم در بحث از استعاره تمثیلیه درباره تمثیل آورده است: «و آن هم از جمله استعارات است، الا آنکه این نوع استعارتی است به طریق مثال؛ یعنی چون شاعر خواهد که به معنی اشارتی کند، لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند؛ بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش، بدان مثال، عبارت کند.» (شمس قیس، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

ماحصل مباحث گوناگون در خصوص تشبیه تمثیل در کتاب‌ها و منابع بلاغی این است که تشبیه تمثیل، نوعی از تشبیه مرکب است که در آن مشبّه به حسی و مشبّه عقلی باشد. مشبّه به حسی برای استدلال، بیان علت، توجیه و ملموس کردن مشبّه عقلی که اغلب، حکمی کلی است؛ صادر می‌شود. با توجه به این تعریف، آنچه از این شگرد ادبی در نگاه اول به چشم می‌آید، چیزی غیر از تشبیه مرکب نیست (ر.ک. جرجانی، ۱۳۷۴: ۵۳). در این تحقیق کوشش بر آن است که تشبیه تمثیل به عنوان

یک عنصر بلاغی کار آمد بررسی و به میزان و نحوه کاربرد این شگرد هنری در مثنوی کارنامه زندان او، آگاهی حاصل شود.

تشبیه تمثیل

در دسته بندی که برای تشبیه قائل شده‌اند، یکی از انواع فنی و پیچیده تشبیه را تشبیه مرکب دانسته‌اند. تشبیه تمثیل از فروع بحث تشبیه و از گونه‌های خاص تشبیه مرکب است و مانند سایر گونه‌های تشبیه، کوششی است برای تبیین جوانب یک حکم کلی یا مسئله معقول که با کمک مشبّه به مرکب، قابلیت تبدیل به تصویر را دارد. تشبیه تمثیل را تشبیهی دانسته‌اند که وجه شبه، قابل تأویل باشد و آن وجه شبه، به سمت محسوس میل کند و در آن برای مشبّه معقول (حکم کلی) نیز، زمینه‌های سیر به محسوس شدن را فراهم آورد. به زبان ساده می‌توان گفت تشبیه تمثیل، یکی از هنری‌ترین راه‌ها برای تشریح افکار، آرمان‌ها، احکام کلی، ذهنیات و ما فی الضمیر شاعر به زبان قابل درک مردم عادی است. «اگر تشبیه تمثیل را ساختاری دو قطبی بدانیم، در قطب اول، مشبّهی داریم که با ابهام و تعقید همراه است و مخاطب را به گمان یا گمان‌های متعدد دچار می‌کند یا اینکه ادعایی است که چندان پذیرفتنی و قابل درک نیست و در قطب دوم، مشبّه بهی هست که با استفاده از تجربیات ملموس و مشترکی که با شاعر داریم، به کمک تبیین قطب اول، می‌آید و تعقید و گمان‌های پریشیده را بسامان می‌کند. خواننده پس از شنیدن این ترکیب هنری، غالباً نظر شاعر را تأیید می‌کند و با او در تجربه‌ای که دارد؛ سهیم می‌شود. تشبیه تمثیل را می‌توان گونه‌ای استدلال شاعرانه نیز دانست». (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۶۶ ب: ۸۴).

تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه

تشبیه تمثیل به ساختار اصلی تشبیه وفادار است. در تشبیه تمثیل دو سوی تشبیه، وجه شبه و در بسیاری موارد ادات تشبیه، دیده می‌شود و این، وجه ممیزه تشبیه تمثیل از استعاره تمثیلیه است. «در تشبیه تمثیل به قرینه‌ای که به عدم اراده معنی اصلی دلالت کند، نیازی نیست. تشبیه تمثیل، نوعی از حقیقت به شمار می‌آید، اما استعاره تمثیلیه، فقط در ترکیبات مشهود است نه در مفردات. استعاره تمثیلیه، نوعی از مجاز به شمار می‌آید [و] احتیاج به قرینه‌ای دارد که مانع اراده معنی اصلی گردد [همچنین] در استعاره تمثیلیه جز مشبّه به باقی نمی‌ماند» (فشارکی، ۱۳۷۰: ۳۹۹).

دو سوی تشبیه تمثیل

از دیدگاهی دیگر تشبیه تمثیل، گونه‌ای از تشبیه است، تنها تفاوتی که می‌تواند تشبیه تمثیل را از دیگر گونه‌های تشبیه مرکب جدا کند، این است که در تشبیه تمثیل، «مشبّه به مرکب، الزاماً محسوس و با ایجاد سازگاری بین حالی با حال مشبّه، در پی تقریر حال مشبّه است، اما در دیگر گونه‌های تشبیه، مشبّه به گاه معقول و گاه محسوس است و هدف شاعر در این گونه‌ها صرفاً خلق تصویر است. مشبّه به محسوس در این گونه موارد، در پی ایجاد ارتباط از طریق ادعای مثبتی بر کذب است. به تعبیر دیگر در تشبیه تمثیل، شاعر حرف خود را به یاری تجربه مشترکی که با ما دارد به کُرسی می‌نشانند، ولی در دیگر انواع تشبیه مرکب، بحثی برای به کرسی نشانیدن ادعا و استدلال هنری ندارد». (ر.ک. حکیم آذر، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

دلالت‌های ارجاعی در تمثیل

آنچه از مجموع عقاید متأخرین در باب تمثیل دانسته می‌شود، و از میان مثال‌هایی که برای تمثیل در کتاب‌های بلاغت، نقل کرده‌اند می‌توان دریافت که تعریف متأخرین از تمثیل در حوزه محدودتر و مشخص‌تری قرار داشته است؛ چنانکه صاحب *انوار الربیع* می‌گوید: «وآن تشبیه حالی است به حالی از رهگذر کنایه، بدین گونه که خواسته باشی به معنایی اشارت کنی و الفاظی به کار ببری که بر معنایی دیگر دلالت دارد، اما آن معنی، خود مثالی باشد برای مقصودی که داشته‌ای، و اینگونه سخن گفتن را فایده‌ای است ویژه خود که اگر به الفاظ خاص خود گفته شود، چندان تأثیر ندارد و راز آن در این است که در ذهن شنونده، تصویری بیشتر ایجاد می‌کند؛ زیرا شنونده هنگامی که در دل خویش مثالی را تصوّر کند که مخاطب مستقیم آن نباشد با رغبت بیشتری آن را پذیرا خواهد شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶ ب: ۸۲).

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجایی که ملک الشعرای بهار یکی از شخصیت‌های بسیار تأثیر گذار در جریان ادبی، اجتماعی و سیاسی دوره مشروطیت و پهلوی اول می‌باشد، بررسی اشعار وی، بویژه مثنوی کارنامه زندان که برهه مهمی از مبارزات سیاسی و اجتماعی او از اختناق، حبس، تبعید، ترور و شکنجه حاکم در این عصر را بازتاب می‌دهد با اهمیت می‌باشد و می‌تواند گام ارزشمندی در شناخت موضوعات و مسائل آن دوره از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران باشد.

سؤالات اساسی تحقیق

بهار از قدرت القایی و استدلالی تشبیه تمثیل برای چه کاربردی بهره گرفته است و کارکردهای استفاده از این ترفند ادبی در مثنوی کارنامه زندان، به چه صورتی بوده است؟

اهداف تحقیق

هدف از بررسی تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار، در وهله اول، نشان دادن گونه‌های این ترفند ادبی و در مرحله بعدی تبیین کارکردهای تشبیه تمثیل در این اثر می‌باشد.

روش تحقیق و گردآوری

بنابه ماهیت این نوشته، روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای و به شیوه تحلیل محتواست. گستره تحقیق، تمام ابیات مثنوی «کارنامه زندان» ملک الشعراى بهار است که در آن تمثیل و ضرب المثل به کار رفته است. دست‌آورد تحقیق، بیانگر اهمیت میزان و چگونگی کاربرد تمثیل در این مثنوی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در مورد بررسی انتقادی تشبیه تمثیل در شعر ملک الشعراى بهار، اثر مستقل و مختص به موضوعی، کار نشده است. وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌های امثال و حکم عربی در شعر فارسی بهار»، به این نکته دست یافته است که بهار با ادب عرب در حد بالایی آشنا بوده و توانسته است از امثال سائره عرب در شعر خود بخوبی استفاده کند. در این پژوهش به گونه‌ها و کارکردهای تمثیل در شعر بهار اشاره‌ای نشده است. جلیل تجلیل و محمدتقی بیگلر (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بلاغت تصویر در دیوان اشعار محمدتقی بهار»، در بخش تشبیه مُرکّب به این موضوع که بهار از ساحت تمثیل بهره برده، اشاره و ابیاتی چند را به عنوان نمونه مثال آورده‌اند. غلامحسین ملایی (۱۳۹۳)، در مقاله «بازتاب ادبیات تعلیمی در شعر بهار»، به این نکته که بهار برای القای مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی به جامعه، قالب تمثیل را مد نظر داشته، اشاره کرده است. رضا موسی آبادی و مهدی نوروز (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن از نگاه سعدی و محمدتقی بهار»، به این نتیجه رسیده‌اند که در شعر سعدی و ملک الشعراى بهار، دنیا و تمثیل‌های آن تصاویری است که نه تنها مطلوب و لذت بخش نیستند؛ بلکه مهیب و هولناک نیز

می‌باشند. البته اگر گاهی تصویر زیبایی نیز دیده می‌شود یا در عمق خود در برگیرنده ترس و اندوه دنیاست یا صرفاً به این دلیل که به گونه‌ای به آخرت مربوط می‌شوند؛ خوب ترسیم نشده است.

بحث

یکی از ویژگی‌های شعر بهار در مثنوی کارنامه زندان، کار بُرد تشبیه‌های مرکب و بویژه بهره‌گیری او از تشبیه تمثیل است. بخش اندکی از تشبیهات تمثیلی در چار چوب اسلوب معادله و تعداد زیادی به همان شکل سنتی تشبیه تمثیل جلوه‌گر شده‌اند. تنوع تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار، خود به خود تنوع گونه‌ها و شگردهای به‌کارگیری آن را نیز در پی آورده است. بر این اساس، عمده‌ترین رویکرد بهار در کارنامه زندان را در قالب تشبیه تمثیل نیمه‌فشرده و استعاره تمثیلی می‌توان دید.

تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان

در یک تقسیم‌بندی کلی و بر اساس مباحث بلاغیون قدیم، تمثیل را می‌توان سه گونه فرض کرد. گونه اول، تمثیل گسترده است که در مثنوی‌های عرفانی و متون حکمی به‌وفور می‌توان دید. این نمونه از تمثیلات در مثنوی کارنامه زندان بهار، اندک می‌باشد. به عنوان نمونه، بهار در شرح احوال «هایم» نماینده محبوس کلیمیان در زمان سرتیپ درگاهی در محبس نمره یک، که خود درگاهی نیز روزگاری محبوس همین زندان شد (ر.ک. مکی، ۵/۱۳۸۰: ۲۰۴-۲۰۱)، در برابر شکنجه تزیق آب جوش تاب می‌آورد، ولی نام بی‌گناهان را بر زبان نمی‌آورد از تمثیل کنایی «هردوانه»، استفاده کرده و مفهوم این تمثیل را در قالب داستان و با استفاده از شخصیت‌های درگاهی و هایم، شرح و توضیح داده و با این استدلال اقناعی، مخاطب را تحت تأثیر قرار داده است:

گشت	مردی	شریک	پُر	خواری	کرد	تقسیم	توشه	را	باری
گفت	یک	چیز	از	این	دوگانه	بخواه	یا	که	هندوانه
گفت	من	هر	دوانه	می‌خواهم	خربزه	هندوانه			می‌خواهم
بُرد	مشروطه	داغ	و	چوب	و	فلک	جای	آن	ساخت
شِحنه	شهر	هر	دوانه	گرفت	خربزه	داشت	هندوانه		گرفت
کرد	مِن	باب	دبّه	و	لنجه	حبس	تاریک	جفت	اشکنجه
دست‌بند	و	شکنجه‌های	دگر		تازیانه	ز	جملگی		بدتر
گاه‌گاهی	هم	از	پی	تحقیق	آب	جوشیده	می‌شود		تزیق

آن شنیدم که‌هایم بدبخت مبتلا شد بدین شکنجه سخت
تا گروهی ز عارف و عامی یار خود سازد اینت بد نامی
وآن یهودی ز تهمت دگران بست لب با چنین عذاب گران
وآنکه او را شکنجه می‌فرمود مُسلمی بود شوم‌تر ز جهود
بود تشنه به خون ایرانی شحنه با دعوی مسلمانمی
بود هایم بدان دل آگاهی بهتر از صد هزار درگاهی
کاو به ناحق بُرد نام کسی وین به خلق افترا بیست بسی
(بهار، ۱۳۹۰: ۲/۶۷۴)

بهار در حکایت مُناظره خود با دکتر «علیم الدوله»، رئیس بیمارستان زندان شهربانی، با محور قرار دان تمثیل «سگه بر یخ زدن»، با استدلال موجه خود به اقناع علیم پرداخته است. در این تمثیل گسترده، تمثیل «نانت در روغن است» (دهخدا، ۱۳۹۱/۱۷۹۲: ۴)، که باز جنبه استدلال اقناعی دارد؛ قابل تأمل می‌باشد:

روزی آمد علیم در بر من گفت خود را به ناخوشی می‌زن
تا به سوی مریض‌خانه شوی همنشین با می و چغانه شوی
زانکه آنجاست در اداره من نانت آنجاست غرق در روغن
گفتم اهل می و چغانه نی‌ام بنده باب مریض‌خانه نی‌ام
تن من سالم است و حال درست سگه بر یخ زدی گناه از تُست
(بهار، ۱۳۹۰: ۲/۶۷۳)

تشبیه تمثیل نیمه‌فشرده در مثنوی کارنامه زندان

تشبیه تمثیل نیمه‌فشرده به تشبیهاتی می‌توان گفت که در آنها رابطه نحوی بین دو مصراع برقرار باشد و شاعر به استقلال دستوری مصراع‌ها توجهی نکند. این گونه از تشبیه تمثیل در مجالی بیش از مصراع به ظهور می‌رسد. ملاک در این بحث، استقلال یا عدم استقلال دستوری ابیات است. در برخی از تشبیهات تمثیلی بهار در مثنوی کارنامه زندان، مصراع‌ها مستقل نیستند و وجود رابطه نحوی، بین مصراع اول و دوم نمونه‌هایی از این دست می‌آفریند:

آنکه را خِنگ راهوار بود از جنیت کِشیش عار بود
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۹۰/۲)

بهار در تمثیل‌های نیمه‌فشرده، به خاطر این که بخشی از فرآیند معنا رسانی را بر دوش رابطه‌های دستوری (که، از، تا و...) نهاده؛ مجبور به ساخت جملات پایه و پیرو شده است. در جملات مرکب، انتقال معنا به آسانی جملات ساده نیست؛ از همین روی، شاعر مجبور است، دست کم در دو جمله، پیام و حکمت مورد نظر خویش را به خواننده، منتقل کند و در این فرآیند، یک بیت را به مصرف یک حکمت می‌رساند. تشبیه‌های تمثیلی نیمه‌فشرده از نظر نحوی، جملات مرکب به حساب می‌آیند. از آن روی که در آنها به نوعی پیوند وابستگی یا همپایگی در میان «مدعا» و «مثل» برقرار شده است. معمولاً مصراع دوم، همان تجربه‌عامیانه یا حکمت‌آشنایی است که به توجیه یا اثبات ادعای صادر شده در مصراع نخست آمده است. به عنوان مثال:

گرچه یک گل شکفت از گلزار کی ز یک گل شود پدید بهار؟
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۹۰/۲)

در این گونه از تمثیل‌ها، وجه شبه، تناسب و تطابق هیئت برخاسته از حکمت عامیانه با مُدعای شاعر است. از آنجا که در این گونه از تشبیه، تصویرگری در خدمت اقتناع مخاطب است، شیوه بیان استدلالی بر بیان هنری، برتری دارد. «شاعر در این نمونه‌ها در پی خلق یک تصویر و همذات‌پنداری با طبیعت پیرامونی نیست، بلکه در پی صدور حکمی است که با آن ذهن مخاطب را تحریک کند و لذتی را که محصول کشف رابطه‌های منطقی است؛ جانشین لذت نقاشی‌های شعری بکند». (ر.ک. حکیم آذر، ۱۳۹۵: ۱۲۹)، به عنوان نمونه:

آنکه اندر زمانه شد بد نام تشت رسوایش فُتاد از بام
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۷۸/۲)

به بیان دیگر، تشبیه مرکب تمثیلی، ابزاری است برای تفهیم آنچه مخاطب یا نسبت‌بدان ناآگاه است یا در موضع بی‌تفاوتی نسبت به آن قرار دارد یا شنیدن دوباره آن برای وی مهم است.

اسلوب معادله در مثنوی کارنامه زندان

تشبیه تمثیل به صورت فشرده یا همان اسلوب معادله نیز در مثنوی کارنامه زندان بهار کاربرد دارد. ملاک فشرده شمردن این دسته از تشبیهات تمثیلی در تقسیم‌بندی‌های این گفتار، نبود رابطه نحوی بین دو مصراع بوده است: «اسلوب معادله یک ساختار مخصوص نحوی است. تمام مواردی که به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست. اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند. هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آنها را حتی معنأً (نه فقط به لحاظ نحو) به هم مرتبط نکند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶ الف: ۶۳). لذا می‌توان آنجا که در دو سوی بیت، استقلال نحوی و معنایی حاکم است؛ تشبیه تمثیل فشرده (اسلوب معادله) یافت. در این نوع از تشبیه‌ها، شاعر برای ایجاد رابطه بین مدعا و مثل از شناخت مخاطب، ارجاعات زبانی، عهد ذهنی، اصول منطق و شگردهای بلاغی و هنری دیگر، مدد می‌گیرد تا سرانجام به مخاطب خود بفهماند که بین این گزاره‌ها، اگرچه از نظر دستوری رابطه‌ای نیست، از نظر منطقی و بلاغی دو سوی بیت عین یکدیگرند. به عنوان مثال به این بیت دقت کنید:

با قلاوُز در مَبال باید رفت با شُتر در جَوال باید رفت
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۸۹/۲)

اگر چه در میان دو مصراع این بیت از نظر دستوری رابطه‌ای وجود ندارد؛ اما در هر دو مصراع عبارات «با قلاوُز در مَبال رفتن» و «با شُتر [در لغت‌نامه و امثال و حکم دهخدا: سگ (ر.ک. دهخدا، ۱/۱۳۹۱): ۳۶۲ و دهخدا: ۱۳۷۷] به جَوال رفتن» کنایه از هم خانه شدن با مردم بدخو و مُعارض شدن با هرزه گو است.» (انوری، ۱/۱۳۸۳: ۳۷۱)، صورت‌های دوگانه یک مفهوم واحد می‌باشند. بهار به جای شرح و توضیح گرفتاری‌ها و دشواری‌های همراه شدن نگهبان در هنگام رفتن با او به دستشویی با آوردن مُعادل هم ارز این گرفتاری در قالب یک مثل، مدعاى خود را به صورت اقتناعی و مُستدل و در پوشش عبارتی موجز و دلالتمند به مخاطب بیان کرده است.

در این گونه از مدعا مثل‌ها، بهار حکم‌هایی را ارائه کرده است که کسی با آنها مخالفت نتواند کرد. به بیان دیگر، اصول مُسلم، بدیهیات، تجربه‌های همگانی و احکام قطعی، مدعا مثل‌های بهار در مثنوی کارنامه زندان را به وجود آورده است. «در این شگرد ادبی، گاه شاعر بین دو سوی بیت، تعادلی از نظر ارزش ادبی و اعتبار منطقی، ایجاد می‌کند که مخاطب را بر می‌انگیزد تا هر یک از دوسوی را به یاری سوی دیگر تفسیر و تعبیر کند. در اغلب این موارد، انتخاب اینکه کدام سوی مدعا و کدام سوی مثل

باشد، دشوار و گزینش آن بر عهده مخاطب است؛ حال آنکه قدما، غالباً در تشبیه تمثیل، مشبه را امری معقول (مدعا) می‌دانند و مشبه به را امری محسوس (مثل) که بیان حال مشبه می‌کند. (ر.ک. حکیم‌آذر، ۱۳۹۰: ۱۷۱). به عنوان مثال در بیت ذیل:

چون بلایی رسید غم برود
بیش چون شد پدید کم برود
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۶۸/۲)

معلوم نیست که کدام سوی از دو مصراع، مدعی و کدام سوی، مثل است؛ اما از آنجایی که مصراع اول، یعنی رسیدن بلا، امری عقلی است و مصراع دوم، پدیدار شدن «بیش» و رفتن «کم»، محسوس، می‌توان مصراع اول را مشبه و از مقوله «مدعی» و مصراع دوم را مشبه به و در حکم «مثل» گرفت.

استعاره تمثیلیه در مثنوی کارنامه زندان

هرگاه در تشبیه تمثیل، مشبه حذف شود و فقط مشبه به، بیان گردد به جای تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی شکل خواهد گرفت. شمیسا معتقد است: «بهتر است اصطلاح استعاره تمثیلی را در موردی به کار ببریم که استعاره مرکب، جنبه ارسال المثل یا ضرب المثل را داشته باشد، یعنی مأخوذ از تشبیه تمثیلی باشد. مثل: مهتاب به گز پیمودن یا خورشید به گل اندودن» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۱). دهخدا در مورد «مثل» می‌نویسد: «علاقه شباهت چون در میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند و چون تشبیه فاش الاستعمال و شایع باشد آن را مثل خوانند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰). اغلب ابیاتی که در مثنوی کارنامه زندان بهار در حوزه تشبیه تمثیل وجود دارد، مثل‌هایی می‌باشند که کارکردی تأکیدی دارند. در ساختار این جملات، نمی‌توان در یک سوی بیت، مدعا و در سمت دیگر بیت، مثلی را برای استدلال مدعی، مشاهده کرد. در این گونه - که معمولاً از جملات ساده خبری شکل گرفته‌اند - بهار در مصراع اول، پیامی، گزارشی و خبری را بدون آنکه در صدد مطرح کردن ادعایی باشد؛ بیان می‌کند و در مصراع دوم، ضرب المثلی شناخته شده از گنجینه ادب فارسی را برای توضیح و تبیین سخنان خود می‌آورد که صرفاً جنبه تعلیل، تأکید و تأیید سخنان بهار را دارند و در حکم تابلویی برای نمایش ضرب‌المثل‌هایی است که بهار آنها را به کار می‌گیرد. برای نمونه:

همه چیزش ز روی عدل نکوست
هر کسی آن کند که در خور اوست
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۶۳/۲)

مثل مردمان خطا نشود که دویی نیست کان سه تا نشود
(همان: ۶۶۹)
بنده بودم به جای خویش مُقیم پا نکردم درازتر ز گلیم
(همان: ۷۳۳)

در مثال‌های بالا در هر دوسوی تشبیه، جملات خبری و در حکم قالب‌هایی برای بیان مفاهیم و مضامین شاعرانه است که از راه ارتباطی منطقی و با زیرساختی بلاغی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و تصاویر حاصل از این تشبیهات برای همگان، قابل فهم و محسوس است.

از این دست ابیات در مثنوی کارنامه زندان بهار، بسیار است و از آنجایی که نوشتن تمام ابیات ممکن نیست؛ فقط به ضرب المثل‌های اشاره رفته در این ابیات با ذکر صفحه بیت در مثنوی کارنامه زندان بهار، بسنده می‌شود: «سر هر رشته‌ای به دست کسی است» (بهار، ۲/۱۳۹۰: ۶۶۲)، «گاه گل گشته گه سبو گردد» (همان: ۶۶۳)، «هرکسی آن کند که در خور اوست» (همان: ۶۶۳)، «هر که را در جهان یکی کار است» (همان: ۶۶۴)، «خرج بسیار و همت عالی» (همان: ۶۶۶)، «غوز بالا غوز» (همان: ۶۶۶)، «چون بلایی رسید غم برود» (همان: ۶۶۸)، «بیش چون رسید کم رود» (همان: ۶۶۸)، «مرد بی درد مُرده است نه مُرد» (همان: ۶۶۸)، «دویی نیست کان سه تا نشود» (همان: ۶۶۹)، «نانت آنجاست در روغن» (همان: ۶۷۳)، «مُردن و زیستن به دست خداست» (همان: ۶۷۷)، «تشت رسوایش فُتاد از بام» (همان: ۶۷۸)، «دایه‌ای مهربان‌تر از مادر» (همان: ۶۷۹)، «کار مردم به دست مردم به» (همان: ۶۷۹)، «این هم از برکت برامکه بود: هذِه مِن بَرکة البرامکه» (همان: ۶۸۱)، «در بُن گوش صور اسرافیل» (همان: ۶۸۶)، «با شُتر در جوال باید رفت» (همان: ۶۸۶)، «مانی آنجا چو خر به وَحَل» (همان: ۶۹۰)، «ریش خود را به دست بنا داد» (همان: ۶۹۱)، «با دلی تنگ‌تر از سَم الخیاط» (همان: ۶۹۱)، «دیگ در دیگ شد» (همان: ۶۹۱)، «بُرد نتوان دو هندوانه به دست» (همان: ۶۹۴)، «مُحتسب دُزد و راهزن شحنه» (همان: ۶۹۶)، «مار بهتر ز دشمن خانه» (همان: ۶۹۸)، «هان بهارا مکوب آهن سرد» (همان: ۷۰۰)، «چون دو مغز در یک پوست» (همان: ۷۰۰)، «تیر تدبیر او به سنگ آمد» (همان: ۷۰۳)، «یک قِر و صد هزار غریبه» (همان: ۷۰۳)، «رفت و آن دُنبه را به گُرج سپرد» (همان: ۷۰۶)، «برهمن را بر صنم بردی» (همان: ۷۱۳)، «گُرج را همسر غنم کردی» (همان: ۷۱۳)، «بنهادی دُنبه در بر روباه» (همان: ۷۱۳)، «کی فرو چَته رود پسندیده با چنین ریسمان پوسیده» (همان: ۷۱۴)، «به یکی گُل بهار می‌نشود» (همان: ۷۱۴)، «خود فروشنده خود خریدار است» (همان: ۷۱۴)، «از یکی خُم بر آورده ده رنگ» (همان: ۷۱۴)، «نیست

بالتر از سیاهی رنگ» (همان: ۷۱۴)، «خر جولا به از چنین قاضی» (همان: ۷۱۶)، «به شقاوت کشد قضاوت بلخ» (همان: ۷۱۶)، «چوب قهرت در آستین کردند» (همان: ۷۲۲)، «دیر پاید چو کهنه شد کینه» (همان: ۷۲۶)، «کی برادر شود برادر گُش» (همان: ۷۲۷)، «اصفهان نیمه جهان گفتند» (همان: ۷۲۹)، «نبرد دُزد خانه درویش» (همان: ۷۳۰)، «دزد ناشی به کاهدان زند» (همان: ۷۳۰)، «پا نکردم درازتر ز گلیم» (همان: ۷۳۳)، «گنه زید و بیگناهی عمرو» (همان: ۷۳۵)، «در تقلاً چو گاو عصاری» (همان: ۷۳۶)، «پُل مانده بود آن ور آب» (همان: ۷۳۸)، «سال نیکو ز اولش پیداست» (همان: ۷۳۹)، «زر نکو بخش تا نکو گردی» (همان: ۷۴۶)، «گفت خیر الامور اوسطها» (همان: ۷۴۴)، «گه مُفرط شوند و گه مُفرط» (همان: ۷۴۴)، «پس رود تا فتد از آن سرِ بام» (همان: ۷۴۴)، «نان پخته شود به خامی چند» (همان: ۷۴۹)، «بهر فاطمی نمی‌شود تُنبان» (همان: ۷۵۱)، «سوخت ما را دل و تو را دامن» (همان: ۷۵۱)، «مام را قلب و دایه را دامن» (همان: ۷۵۲)، «ما نخواهیم خیر شرّ مرسان» (همان: ۷۵۲)، «جهل یک تن بلای یک شهر است» (همان: ۷۵۵)، «اندر افتند همچو خر به وَحَل» (همان: ۷۵۷)، «مانده دُزد را بَرَد رَمال» (همان: ۷۶۲)، «مهتر خانه چون زند تُنک، پای کوبند کودکان بی‌شک» (همان: ۷۶۴)، «پشمی اندر کلاه ایشان نیست» (همان: ۷۶۶)، «پاچه را ور کشید بالا مرد» (همان: ۷۶۹)، «طایر جسته کی فراز آید؟» (همان: ۷۶۹)، «کی ز یک گُل شود پدید بهار» (همان: ۷۷۰).

تصویر اثباتی در مثنوی کارنامه زندان

مدعای مثل در مضامینی که شاعر می‌آفریند، در خدمت اثبات نظر است. شاعر برای اقناع مخاطب از راه‌هایی می‌رود که روندگان پیشین آنها را پای‌کوب کرده‌اند و قبول عام یافته‌اند. تصاویری را که شاعر با این مدعا مثل رسائی و ارائه احکام ادبی خلق می‌کند؛ تصاویر اثباتی نامیده‌اند (ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۶: ۶۰). یکی از کارکردهای تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار، خلق تصاویر اثباتی و مُجسم کردن آنها در ذهن مخاطب است تا به یاری آن، لذت حاصل از فهم و ادراک را به خواننده عطا کرده باشد. «تصویر اثباتی، نوعی معادله خردمندانه است که بر اساس رابطه جانیشینی و همنشینی شکل می‌گیرد و در خدمت معنی و نظم دهنده به اندیشه است.» (همان). برای نمونه:

کار دانا یکی بُود پیوست بُرد نتوان دو هندوانه به دست
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۹۴/۲)

یا معادله خردمندانه ذیل که کاملاً در خدمت معنی رسائی و اندیشه شاعر است:

مکر در دستگاه ایشان نیست پشمی اندر کلاه ایشان نیست
(همان: ۷۶۶)

تشبیه تمثیل تلمیحی در مثنوی کارنامه زندان

در برخی از انواع تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار، مضامین به داستان‌ها و افسانه‌های معروف در آمیخته است. استفاده از شخصیت‌ها، مصالح و مواد قصه‌های آشنا برای ساخت مضمون یکی دیگر از شیوه‌های ساخت تشبیهات تمثیلی بهار است. این نوع از تشبیه تمثیل، دارای تنوعی دو سویه است، هم حکمت است و هم نیم‌نگاهی به افسانه، قصه، متل یا داستانی کهن. به این نوع از تشبیهات تمثیلی می‌توان تشبیه تمثیل تلمیحی نام داد. برای نمونه به ابیات زیر می‌توان اشاره کرد:

لیک اندر عمل ز خوی دُرُشت دست ضحاک را بیسته ز پُشت
(بهار، ۱۳۹۰: ۶۷۹/۲)

در سیاست ز فرط کین و لجاج گوی سبقت ربوده از حجاج
(همان: ۶۷۹/۲)

محو کرده به خنجر خون ریز نام تیمور و شهرت چنگیز
(همان: ۶۷۹/۲)

بهار در بیت ذیل به حکایت «عباس دوس گدا» اشاره کرده است. انجوی شیرازی در مورد حکایت عباس گدا نوشته است: «روزی عباس به حمام رفته بود، نوره گذاشته بود و مشغول چیدن پشم‌هایش بود. دید سائلی آمد دم در حمام می‌گوید: یا محمد یا علی، عباس پیش خود گفت: این دیگر کیست؟ حمام را هم رد نمی‌کند، این دست مرا هم از پشته بسته است، پس من در مدت عمرم چه غلطی می‌کردم؟ بعد گفت: عمو مگر نمی‌بینی این‌جا حمام است و دارم نظافت می‌کنم؟ تو یقه مرا گرفتی، می‌گویی یا محمد یا علی! مگر دیوانه شدی؟ پسر جواب داد، فقیر بیچاره‌ام از همان پشم حمام اگر مقداری کرم کنی خدا عوضت بدهد. عباس دوس مقداری پشم با کثافت توی دستش ریخت و به پسر داد. عباس چون به منزل آمد، ماجرا را برای زن و دامادش نقل کرد. بعد گفت، او را می‌گویند شاه گداها نه من و تو را، ما نوکر او هم نمی‌شویم او برای ما خوب بود نه این شاه داماد! پسر چون این حرف‌ها را شنید، دست کرد توی جیب و کهنه‌ای که در آن مقداری پشم حمام بود؛ بیرون آورد و

گفت: استاد جان آن سائل من بودم نه دیگری! عباس صورت او را بوسید گفت: آفرین! تو دست مرا از پشت بستی» (انجوی شیرازی، ۱/۱۳۵۷: ۴۹).

آنچنان دست از بوسیده که به عباس دوس دوسیده (بهار، ۲/۱۳۹۰: ۶۷۹)

نتیجه‌گیری

در مثنوی کارنامه زندان بهار، هر سه ساختار عام تشبیه تمثیل، یافت می‌شود؛ هم تشبیه تمثیل نیمه فشرده که در اکثریت است و نمونه‌های زیادی دارد و هم تشبیه تمثیل فشرده یا همان اسلوب معادله که تعداد آن به نسبت تشبیه تمثیل نیمه فشرده، اندک است و هم تشبیه تمثیل گسترده که نمونه‌هایی هر چند اندک دارد. در تعداد تشبیه تمثیلی با ساختار نیمه فشرده و فشرده باید گفت که بهار بیشتر میل به ساخت تشبیه تمثیل نیمه فشرده داشته است. در این نمونه‌ها ربط منطقی استواری بین دو مصرع برقرار است، ولی رابطه دستوری میان آنها دیده نمی‌شود. از نظر دستوری و بلاغی، فراوانی تشبیهات تمثیلی به ترتیب در جملات خبری است. بلیغ‌ترین نمونه تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار، ابیاتی است که در آنها مدعا و مثل، هر دو خبری است، اگرچه تعداد این نمونه‌ها بسیار اندک است. حکمت‌های مندرج در مدعاها، اغلب حکمت‌های عام می‌باشند. تصاویر اثباتی، محصول نهایی تشبیه تمثیل در مثنوی کارنامه زندان بهار است. او با این تصاویر در پی استدلال گری و اقناع، ایجاد ارتباط آسان‌تر با مخاطب خویش است. برخی از تمثیل‌های بهار با استفاده از عناصر و شخصیت‌های داستان‌ها، افسانه‌ها و حکایات معروف ساخته شده‌اند که از آنها با عنوان تشبیه تمثیل تلمیحی یاد شده است.

منابع و مأخذ

۱. انجوی شیرازی، ابوالقاسم، ۱۳۵۷، گل به صنوبر چه کرد، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۲. انوری، حسن، ۱۳۸۳، فرهنگ کنایات سخن، ج ۲، تهران: سخن.
۳. بهار، محمد تقی، ۱۳۹۰، دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، تهران: نگاه.
۴. پروین گنابادی، محمد، ۱۳۳۴، مقدمه ابن خلدون، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. تجلیل، جلیل و محمد تقی بیگلر، ۱۳۸۹، «بلاغت تصویر در دیوان محمد تقی بهار»، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، شماره ۲۸، صص ۱۰۶-۷۳.
۶. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، ۱۳۷۴، اسرار البلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۷. حائری، هادی، ۱۳۷۵؛ یک صدمین سالگرد میلاد بهار، تهران: حدیث.
۸. حکیم‌آذر، محمد، ۱۳۹۰، «اسلوب معادله در غزل سعدی»، فصلنامه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، بهار ۱۳۹۰، سال سوم، شماره ۹، صص: ۱۶۳-۱۸۴.
۹. -----، ۱۳۹۵، «بحث در تشبیه تمثیل و کارکرد آن در غزل صائب تبریزی»، نشریه فنون ادبی، دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۵، صص ۱۳۶-۱۱۷.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات روزنامه اطلاعات.
۱۱. -----، ۱۳۹۱، امثال و حکم، ۴ ج، تهران: امیرکبیر.
۱۲. رادویانی، محمدبن عمر، ۱۳۶۲، ترجمان البلاغه، به تصحیح و اهتمام احمد آتش؛ انتقاد ملک الشعراء بهار، تهران: اساطیر.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، ستایشگر آزادی، به اهتمام محمد گلبن، تهران: رسانش.
۱۴. سبزیان پور، وحید، ۱۳۸۶، «ریشه‌های ایرانی امثال و حکم عربی در شعر بهار». نامه فرهنگستان. شماره ۹، صص ۸۲-۶۹.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۶ الف، شاعر آینه‌ها، تهران: آگاه.
۱۶. -----، ۱۳۶۶، ب، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
۱۷. -----، ۱۳۷۸، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، تهران: نی.
۱۸. شمس قیس رازی، محمدبن قیس، ۱۳۸۷، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا، تهران: فردوسی.
۱۹. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، بیان، تهران: میترا.
۲۰. فتوحی، محمود، ۱۳۸۶، بلاغت تصویر، تهران: دسخن.
۲۱. فشارکی، محمد، ۱۳۷۰، «نگاهی به بیان و بعضی تألیفات معاصران در این فن»، فصلنامه تحقیقات اسلامی، سال ششم، شماره ۱ و ۲ بهار و تابستان ۱۳۷۰، صص ۴۲۰-۳۹۴.
۲۲. مکی، حسین، ۱۳۸۰، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، تهران: علمی.
۲۳. موسی آبادی، رضا و مهدی نوروز، ۱۳۹۶، «بررسی دنیا و تمثیل‌های تعلیمی آن از نگاه سعدی و ملک الشعراء بهار»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۱۴۹-۱۳۰.
۲۴. ملایی، غلامحسین، ۱۳۹۳، «بازتاب ادبیات تعلیمی در شعر بهار»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۱۹، صص ۴۰-۲۳.
۲۵. وزین پور، نادر، ۱۳۷۴، مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی، تهران: معین.
۲۶. همایی، جلال الدین، ۱۳۳۰، سرگذشت بهار، به اهتمام محمد گل اندام. تهران: رسانش.



Original Paper **A Study of Allegory and Its Functions in
Masnavi "Prison Report" of Malek al-Shoara Bahar**

Hosein Farsi¹, Ramin Sadeghinejad²

Abstract

Allegory is a special kind of simile. In a simple classification, we can divided it into three types: wide, semi-condensed and condensed (the style of equation). Bahar in the Masnavi *Prison Report* has used this rhetorical element to a great extent to persuade the audience. The number and variety of the use of these allegorical similes in the Masnavi *Prison Report* can be considered as a prominent and worthy stylistic feature for the Bahar's work. Considering the rhetorical structure of verses in which the allegorical similes have been used, in this article we have examined their sentences in terms of being predicative or performative. According to the findings of this research, the semi-condensed allegory simile with its predicative structure intends to emphasize the speech or the same allegorical metaphor and proverb, the most common examples of allegory simile in this Masnavi. Moreover, there are other some other types of allegory simile such as the style of equation, allegorical metaphor, and artistic image and argument in this Masnavi, which are discussed in the text of the article.

Keywords: allegorical metaphor, the style of equation, Bahar, allegory simile, prison report

¹. MSc of Persian language and literature, Ahar branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran hosinfarsi.108@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran r-sadeghinezhad@iau-ahar.ac.ir